

روز جهانی کارگر در سال ۲۰۱۱

■ سال گذشته روز جهانی کارگر در کشورهای مختلفی از جمله هندوستان، ایرلند، لبنان، صربستان (بلغراد)، لوکراین، سوویس، ونزوئلا، بنگلادش، نپال و آفریقای جنوبی برگزار شد. در میان کشورهایی که در آنها روز اول ماه می به طور رسمی به عنوان روز کارگر شناخته نمی‌شود باید از آمریکا و کانادا نام برد. البته زحمتکشان در این کشورها، از جمله حزب‌های کمونیست آنها، همه ساله این مراسم را در شهرهای مختلف برگزار می‌کنند. سال گذشته نیز این مراسم از جمله در شهرهای میلوکی، شیکاگو، لس‌آنجلس، آتلانتا و نیویورک (در آمریکا) و تورنتو (در کانادا) برگزار شد.

سال گذشته کارکنان دولتی ایالت ویسکانسن و چند ایالت دیگر درگیر مبارزهای سخت با دولت‌های ایالتی دست راستی شدند که حق کارمندان برای مذاکره دسته‌جمعی از طریق اتحادیه کارکنان را پایمال کرده بود. در روزهای تحصن کارکنان دولت در ساختمان کنگره ایالتی ویسکانسن در شهر میلوکی، شمار زیادی از اتحادیه‌های زحمتکشان آمریکایی از این پیکار همکاران خود برای حفظ حق تشکل و حقوق اتحادیه‌ای پشتیبانی قاطعانه کردند. یکی دیگر از خواسته‌های اساسی زحمتکشان آمریکایی که در بسیاری از گردهمایی‌ها مطرح شد، تأمین حقوق کارگران مهاجر در این کشور بود که به نحوی نقض می‌شد.

توکیه: در ترکیه، راهپیمایان و تظاهرکنندگان که

شمارشان به ۲۰۰هزار نفر می‌رسید، در شهر استانبول به خیابان‌ها آمدند و خواسته‌های خود را برای مشاغل، شرایط کاری و دستمزدهای بهتر اعلام کردند.

سنول: در شهر سنول در کره‌جنوبی، حدود ۵۰هزار نفر برای بزرگداشت روز کارگر و دفاع از حقوق کارگران و امنیت شغلی به خیابان‌ها آمدند. مه‌ار تورم فزاینده در این کشور از دیگر خواسته‌های کارگران بود که منجر به افزایش قیمت مواد خوراکی و سوخت و فقر فزاینده در کره شده بود. در بیانیه‌ای که از سوی فدراسیون سندیکاهای کره منتشر شد، آمده است: «سیاست‌های ضد کارگری، افزایش بیکاری و فاصله فزاینده فقر و ثروت در سه سال گذشته ریاست‌جمهوری «لی میونگ‌باک» زندگی ما را تباہ کرده است.»

کوبا: در کوبا، میلیون‌ها نفر در خیابان‌های هاولا (پایتخت) و شهرهای دیگر در راهپیمایی‌های اول ماه می شرکت کردند که به فاصله کوتاهی پس از پایان کنگره ششم حزب کمونیست کوبا برگزار می‌شد. راوول کلسنرو، رئیس‌جمهور کوبا در رژه اول ماه می در شهر «انتاگو دو کوبا» شرکت کرد.

در میدان اصلی شهر شعار «اتحاد، بارآوری و کارایی» بر روی پلاکارد بزرگی نوشته شده بود. در بیانیه فدراسیون کارگران کوبا به مناسبت روز جهانی کارگر آمده بود: «ما گردهم آمده‌ایم و در خیابان‌ها و میدان‌های شهر در سراسر کشور راهپیمایی خواهیم کرد تا نشان دهیم که انتخاب ما سوسیالیسم است. ما باید به کار، صرفه‌جویی، نظم و انضباط به عنوان تنها راه برای غلبه بر ناکارآمدی‌ها و اشتباه‌هایمان اولویت دهیم و فقط با اتحاد است که می‌توانیم به این اهداف دست یابیم.» اتحادی که تفاوت در دیدگاه‌ها را انکار نمی‌کند، بلکه از آنها برای تحکیم و تقویت خود سود می‌برد.»

ژاپن: در ژاپن، حدود «۵هزار نفر از اعضای اتحادیه‌های کارگری اوزاکا در گردهمایی روز کارگر شرکت کردند. در بیانیه منتشرشده در این گردهمایی، ضمن ابراز همدردی با بستگان زلزله‌زدگان شمال شرقی ژاپن، از حزب حاکم و احزاب مخالف ژاپن دعوت شده بود برای احیای اقتصاد ژاپن و ایجاد شغل اقدام موثر انجام دهند.

مصر: در مصر، هزاران کارگر و زحمتکش مصری در میدان التحرير گرد آمدند تا پس از سه دهه خفقان در دوران «حسنی مبارک» روز جهانی کارگر را جشن بگیرند. نمایندگان سندیکاه‌ا و اتحادیه‌های صنفی و کارگری گوناگون در این مراسم سخنرانی کردند و مطرح کردند خواسته‌های مشخصی مثل تعهدهای حداقل دستمزد عادلانه، برنامه‌های رفاه اجتماعی بهتر و محاکمه رهبران فاسد اتحادیه‌های کارگری در رژیم «مبارک»، خواستار عدالت اجتماعی در مصر شدند.

در بیانیه‌ای که از سوی ۴۹ سازمان، از جمله «اتحاد جوانان انقلابی»، حزب کمونیست مصر، چند گروه چپ‌گرا، اتحادیه‌های مستقل و چندین سازمان مردم‌نهاد (ان‌جی‌او) منتشر شد، خواست حداقل دستمزد عادلانه حدود ۲۵۰ دلار آمریکایی و تعیین یک سقف حقوقی «برای تضمین تقسیم عادلانه ثروت» مطرح شد. اسپانیای در اسپانیا که نرخ بیکاری در آن افزون بر ۲۱درصد است، هزاران تظاهرکننده‌ای که در شهر والنسیا در شرق این کشور گردهم آمده بودند، به دولت اسپانیا در مورد سستی در ایجاد مشاغل جدید اعتراض کردند. در پرتغال نیز که اقتصادی ورشکسته و بحران‌زده دارد تظاهرات مشابهی از سوی دهه‌هاوز نفر و به رهبری کمونیست‌ها و سندیکاهای کارگری در اعتراض به کاهش و قطع بودجه‌های خدمات اجتماعی همگانی و دفاع از حقوق کارگران صورت گرفت.

یونان: در یونان، تظاهرکنندگانی که به دعوت «جبهه مبارز سراسری کارگران (PAME)» به خیابان‌ها آمده بودند، علیه سیاست‌های دولتی ریاضت اقتصادی تجویزشده توسط صندوق بین‌المللی پول و

اتحادیه اروپا- از جمله کاهش دستمزدها، بالا بردن سن بازنشستگی، نقض حق مذاکره برای قراردادهای جمعی کار و کاهش حقوق بازنشستگی- اعتراض کردند. در یک سال گذشته، در پی تشدید اعمال سیاست‌های ریاضتی که منجر به اخراج‌های گسترده و ورشکستگی‌های بسیاری از شرکت‌ها شده است، دست‌کم ۱۶۰هزار پیکار به خیال پیکاران اضافه شده است. براساس برآوردهای

انجام‌شده، یک‌پنجم مردم یونان اکنون زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۱۲۶ سال می‌گذرد؛ ۱۲۶ سال از روزی که کارگران به خیابان آمدند؛ کارخانه‌ها تعطیل شد؛صبح اول ماه می۱۸۸۶، یکی از روزنامه‌های شیکاگو چنین گزارش داده بود: «هیچ دودی از دودکش کارخانه‌ها بیرون نمی‌آید. همه چیز، رنگ یک روز تعطیل را به‌خود گرفته است.» روز جهانی کارگر سالروز شورش کارگران آمریکایی در اول ماه می ۱۸۸۶ در شیکاگو است که هر سال در بسیاری از کشورهای جهان جشن گرفته می‌شود. ریشه چنین روزی به مبارزه برای روز کاری کوتاه‌تر برمی‌گردد. این مبارزه از همان ابتدا در اعتراض به سیستم کارخانه‌ای ایالات متحده از سوی طبقه کارگر شکل گرفت. اگرچه برخی تقاضا برای دستمزد بالاتر را شایع‌ترین علت این اعتصاب توصیف می‌کردند، اما مبارزه برای ساعت کاری کمتر بود که منجر به چنین اعتصابی شد. همین که بهره‌برداري از کارگران افزایش یافت و ساعات کاریشان طولانی‌تر شد، کارگران بیشتر و بیشتر احساس غیرانسانی بودن کردند، در چنین شرایطی بود که تقاضا برای

تاریخ

اول ماه می چگونه اول می شد؟

کارگران در خیابان

تانیا تجلی

بود اما در سال ۱۸۸۳ و ۸۵ به دلیل بحران ۱۸۷۳ یک افسردگی ادواری را تجربه می‌کرد. جنبشی که ساعات کاری کوتاه‌تری را خواستار بود از بیکاری و رنجی که در طول این دهه مسئولی شده بود انگیزه بیشتری گرفت. در سال ۱۸۷۷ اعتصاب بزرگ اتفاق افتاد. یعنی زمانی که دهها هزار نفر از کارگران راه‌آهن و فولاد علیه شرکت‌ها و دولتی که به منظور سرکوب اعتصابات ابزار نظامی می‌فرستادند مبارزه کردند. این اقدام اولین اقدام توده بزرگی از طبقه کار گر آمریکا در یک مقیاس ملی بود، اگرچه آنها توسط نیروهای ترکیبی از

جشن کارگری اول ماه «می»



تظاهرات روز کارگر در سال ۱۹۰۹

مانیفست کمونیست در ۱۸۴۸ شکل نوین سازمانی و تشکیلاتی به خود گرفته است همراه آگاهی طبقاتی که می‌تواند نهایت نظام بهره‌کش را به چالش کشد و همین فیم کارگری که سرمایه‌داران جهان را به هراس افکنده است بورژوازی با دردت‌داشتن تمامی اهرم‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به سهولت می‌تواند با قریب توده‌ها و خام‌کردن آنها، گردش چرخ زمان را به سود خود به عقب اندازد. میشل‌لوی در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و انترناسیونالیسم» به برخی از این شگردها و شیوه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید که تأکید مارکس و انگلس بر جهانی‌شدن سرمایه‌داری اکنون شکل «یکسان‌سازی جهان را از لحاظ فرهنگی و اقتصادی پیش می‌برد. . . بورژوازی با سوءاستفاده از بازار جهانی به تولید و مصرف تمام کشورها خصلت جهانی داده است.»^(۱) درنوردیدن مرزها، صدور سرمایه برای استفاده از نیروی کر کشورهای کم‌توسعه و طوری که آنها با استفاده از ابزارهای گوناگون، جهان‌گیر ملت [که] جایگزین انزوا و خودکفایی محلی و ملی کهن شده است»^(۲) گرچه به‌منظور به‌دست‌آوری سود بیشتر است اما در عین حال، با ایجاد «همبستگی جهانی زحمتکشان» که منافع‌شان در تقابل با منافع سرمایه‌داران استثمارگر است، موقعیت بورژوازی را به خطر انداخته است به علاوه «جهانی می‌کند و به باور آنها می‌تواند به سهولت بسیاری از نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها که ارضانشدن آنها موجب اختلاف‌ها و تضادهای شدید و دشمنانه‌ای در گذشته بود، برآورده کند. از این روی جامعه سرمایه‌داری با چنین ظرفیت و استعدادی از لحاظ تولیدی، در صورت دارا بودن مدیریت کارآمد و موثر، قادر است تضادهای طبقاتی موجود در جامعه را تعدیل کرده و حتی در فراگرد تکامل نیروهای تولیدی و بازدهی و بارآوری آنها، این تضادها را در خود «حل» نماید. بنابراین، در جامعه «فرضاعتی» آینده، طبقات منخاص اجتماعی وجود نخواهد داشت که ادامه حیات یکی مستلزم مرگ دیگری باشد. طبقه کارگر در جهان سرمایه‌داری، به‌زعم ایمان، دارای منافع جداگانه نیست. منافع این طبقه همان منافع جامعه به طور کلی است که تلاش نظام برای حفظ و حراست از آن است. به بیان دیگر، منافع کارگران صنایع، چیزی جدا از منافع «مدیران» و صاحبان این صنایع نیست و اگر تلاش و مبارزه‌ای هم هست برای آن است که در این «چارچوب» هر یک موقعیت مناسب‌تری برای خود دست‌وپا کند نه آنکه «مناسبات» را برهم زند!»^(۳)

ادمه در صفحه ۱۲

و این مبارزات کارگران و اقدامات سرکوبگرانه دولت‌ها در حمایت از کارفرمایان و سرمایه‌داران بود که زحمتکشان را متوجه سازماندهی و ایجاد تشکیلات کارگری کرد تا بتوانند در اتحادی وحدت‌بخش از منافع و خواسته‌های برحق خود در برابر غارتگران برده‌دار مدرن دفاع کنند. اما این مبارزات صنفی کافی نبود تا کارگران و زحمتکشان به « گاهی طبقاتی » (conseiousnes class) برای براندازی نظام بهره‌کش برسند. زمان لازم بود و کار دقیق علمی برای تدوین نظری‌ای که زحمتکشان را متوجه منافع خاص درامد‌ت آنان کند و اتحادی پدید آورد که نه‌تنها شرایط «جهانه‌نی» (bargaining) را تسهیل کند، بلکه با شناخت دشمن طبقاتی، خود را به طبقه حاکم ارتقا دهد.

مارکس با یاری همیار و هم‌رأی‌اش، انگلس، این مهم را به انجام رساند و با نوشتن و انتشار مانیفست کمونیست به زحمتکشان جهان اعلام کرد که «شیخ کمونیست» اکنون آن قدرتی است که باید به حساب آورده شود.»^(۴)

اگر از کار، تن می‌زد باید گرسنگی کشد و مرگ را پذیرا شود و این همان چیزی بود که سرمایه‌دار را در شدت‌بخشیدن به بهره‌کشی تشویق می‌کرد. «ارتش ذخیره‌ای» (reserve army) که دست او را باز نگه می‌داشت تا استثمار کند و به انباشت سرمایه بپردازد و این «ارتش ذخیره» کارگران بیکار و گرسنه‌ای بودند آماده که به هر دلتی تن دهند.

سود صاحب‌کار با سرمایه‌دار تنها به وسیله کار کارگر تأمین می‌شد که عامل «ورش‌افزوده» بود. جیمز فالچر در اثری به نام کاپیتالالیسم: مقدمه‌ای بسیار کوتاه^(۵) می‌نویسد: «سود نهایتاً وابسته (کار) کارگرانی بود که پنبه را به بافتندگی تبدیل می‌کردند. در کارخانه پارچه‌بافی متعلق به مک‌کائل و کندی نیروی کار (کارگر) از ۱۲تفر در ۱۸۰۲ به حدود ۱۵۰۰ نفر در ۱۸۳۰ افزایش یافت. بیشتر این نیروی کار را- کار ازان- کودکان تشکیل می‌دادند و اغلب این نیروی کار ازان، کودکان زیر ۱۶سال بودند. در ۱۸۱۹، در این کارخانه نزدیک به ۱۰۰ کودک ۱۰ساله و حتی هفت و زیر هفت‌سال مشغول به کار بودند که ساعت کارشان از شش صبح تا ۷/۵ شب بود!

این شیوه بهره‌کشی غیرانسانی سرانجام کارگران را به اعتراض واداشت و برای نشان دادن صدای اعتراض‌شان متحد شدند و با تکامل سرمایه‌داری صنعتی، به قول فالچر، مخالفت‌های مستیزه‌جویانه بر سر دستمزد و شرایط کار بالا گرفت و هرچه بیشتر سازمان‌دهی شد. فالچر در این زمینه‌می‌نویسد:

باقتندگان برای دفاع از خود در برابر کارفرمایان و مخالفت با کاهش دستمزدها توسط آنها، از طریق اتحادیه‌های کارگری صنف خود، نخست به‌صورت محلی و سپس منطقه‌ای و در سطح کشور به سازمان‌دهی خود اقدام کردند. در ۱۸۱۰، ۱۸۱۸ و ۱۸۳۰ اعتصابات سازماندهی‌شده‌ای برگزار شد ولی همه آنها توسط کارفرمایان به کمک دولت با شکست مواجه و به هدف‌های خود نرسید. اعتصاب‌کنندگان دستگیر شدند و رهبران اتحادیه‌ها به زندان افتادند و کارفرمایان برای مقابله با اعتراض کارگران و احیای اخراج آنها خود به ایجاد تشکل‌ها و تشکیلات کارفرمایان اقدام کردند.^(۶)

تاریخ

اول ماه می چگونه اول می شد؟

کارگران در خیابان

تانیا تجلی

بود اما در سال ۱۸۸۳ و ۸۵ به دلیل بحران ۱۸۷۳ یک افسردگی ادواری را تجربه می‌کرد. جنبشی که ساعات کاری کوتاه‌تری را خواستار بود از بیکاری و رنجی که در طول این دهه مسئولی شده بود انگیزه بیشتری گرفت. در سال ۱۸۷۷ اعتصاب بزرگ اتفاق افتاد. یعنی زمانی که دهها هزار نفر از کارگران راه‌آهن و فولاد علیه شرکت‌ها و دولتی که به منظور سرکوب اعتصابات ابزار نظامی می‌فرستادند مبارزه کردند. این اقدام اولین اقدام توده بزرگی از طبقه کار گر آمریکا در یک مقیاس ملی بود، اگرچه آنها توسط نیروهای ترکیبی از

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

ادمه در صفحه ۱۲

از کارگر تا «روز کارگر»

خدیجه معصومی

■ در سده نوزدهم میلادی مردم عادی که اینک باسواد شده بودند پی به تأثیر انقلاب صنعتی و مآبیت آن برده و با چشم باز به همه چیز می‌نگریستند. در آمریکا و انگلستان کارهایی می‌شد با اینکه قانون انگلستان از دیرباز به هم نزدیک می‌شد با اینکه قانون انگلستان از دیرباز به هم پیوستن کارگران و تشکیل اتحادیه‌ها را با این قصد که مانع گسترش تولید با محرک بالا بردن مزدها می‌شوند، ممنوع کرده بود پارلمان انگلستان در برابر افراط‌کاری‌های سوداگران و کارفرمایان به وضع قوانینی برای حمایت از جامعه پرداخت قوانین و مقررات صنعتی ۱۸۲۳ و ۱۸۴۴ م، قانون معادن ۱۸۴۲، قانون ۱۰-ساعت کار ۱۸۴۷، اشتغال کودکان زیر ۹ سال را در کارخانه‌های نساجی و همچنین زنان یا کودکان زیر ۱۰سال را در معادن ممنوع می‌کرد، ساعات کار زنان و جوانان بین ۱۳ و ۱۸ سال را به ۱۰ساعت در روز محدود می‌کرد و در ضمن بازسازی هم برای اجرای این قوانین در نظر گرفتند. (همان، ص ۳۹۶)

با این وجود کارگران دریافتند که نیاز فراوان به بستن پیمان میان خویش دارند هر چند اینچنین پیمان‌هایی قانونی نبود ولی سرانجام اتحادیه‌های کارگری برپا شد و اعضای بسیار یافتند. این اتحادیه‌ها از انگلستان و آمریکا برخاستند و سپس در فرانسه و آلمان و سراسر جامعه‌های غربی اقتباس شدند (ولز، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). اتحادیه‌های کارگری کوشیدند در اوضاع موجود و در جامعه سرمایه‌داری تا آنجا که بتوانند بهره‌گیری کنند ولی سوسیالیست‌ها پیشنهاد کردند که روش را دگرگون کنند. نیروی تخیل و قوه تعمیم «کارل مارکس» بود که این دو جنبش را به هم پیوند داد و اساس سوسیالیسم جدید از فلسفه او گرفته شد. او تشکیل یک مجمع بین‌المللی را برای بسط این اصول به اجرا گذاشت. (همان، ص ۱۸۶) نخستین مجمع بین‌المللی کارگران (انترناسیونال) در سال ۱۸۶۴ م تأسیس یافت. در این دوران سرمایه‌داری و جنبش کارگری به رشد قابل ملاحظه‌تری نسبت به دوران تأسیس اتحادیه کمونیست‌ها رسیده بود. خطابه افتتاحیه مجمع با شعار «زحمتکشان همه کشورها متحد شوید» خاتمه یافت. انترناسیونال مرکز عمل جنبش توده‌های کارگری شد. این مجمع به سازمان دادن اعتصابات کمک کرد. این اعتصاب‌ها به دلیل بحران اقتصادی حدود سال ۱۸۶۵ م، بسیار رایج بود. (اقیموف، ۱۳۶۱، صص ۲۲۳- ۲۲۴) مجمع بین‌المللی بر اثر فقدان سرمایه، توسعه و رشد ناسیونالیسم، شکست قیام کمونیستی در کمون پاریس سال ۱۸۷۱ م، و نزاع داخلی بین سوسیالیست‌ها و هرج و مرج طلبیان از بین رفت. (لینل فیلد، ۱۳۸۱، ص ۸۲) در دسامبر سال ۱۸۶۹ م، در شهر فیلادلفیا، ۹ خیاط اروپایی که خود را «شنواییه‌های کارگر» می‌نامیدند یک انجمن کارگری پنهانی را بنیان گذارند. انجمن تا سال ۱۸۷۲ م، تاؤست با فروپاشی اتحادیه ملی کارگری که توسط کارگران کارخانه طلب نمایندگی می‌شد به سرعت رشد کند. اتحادیه ملی کارگری تلاشی ناموفق برای تغییرات وضع کارگران به خصوص برای به اجرا درآمدن قانون هشت‌ساعت کار روزانه از سوی نمایندگان کنگره داشت. این تلاش با شکست مواجه شد و انجمن از هم پاشید. بیشتر آنها مهاجران اروپایی بودند که به دنبال آرزوهای خود به آمریکا آمده بودند. تعداد اعضای شوالیه‌های کارگر در سال ۱۸۸۶ م، یعنی تنها هفت‌سال پس از تأسیس به بیش از ۷۰۰ هزار نفر رسید. شعار آنها «صدمه به یک نفر، نگرانی برای همه» و خواسته‌های ایشان هشت‌ساعت کار روزانه، توقف کار کودکان و دستمزد برابر بود. شوالیه‌ها اعتصابات و تحریم‌های متعددی در سازمان دادند و پیروزی‌های متعددی را نیز به دست آوردند. اگرچه در برخی از اعتصابات به دلیل اعمال خشونت باعث ایجاد مناقشات بسیار هم شدند. ساختار اقتدارگرای آنها، سوءمدیریت، برخی اعتصابات ناموفق و پدیدار شدن فدراسیون کارگری ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۸۶ م، باعث افول انجمن شد تا آنکه در سال ۱۸۹۰ م، تعداد اعضای آن تنها صدهزار نفر بود و در در چهار می سال ۱۸۸۶ م، و در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران که توسط شوالیه‌های کارگر در شهر شیکاگو سازمان‌دهی شده بود، کارگران اعتصابی خواستار تعدیل شرایط کار با کاهش اعام بیش از روزانه از ۱۰ساعت به شش ساعت بودند. قیلا قرار شد بود که در اول ماه می کاهش ساعات کار به اجرا درآید که چنین نشده بود و در نتیجه کارگران در گوشه و کنار کشور دست به تظاهرات زدند و در ۱۲۰۰ کارخانه و کارگاه اعتصاب صورت گرفت. شمار کارگران معترض شهر شیکاگو بیش از سایر شهرها و حدود ۹۰ هزار نفر بود. شیکاگو آنان بر یک گاری بزرگ سوار بودند و شعار می‌دادند پس از طی مسافتی پلیس اطراف این گاری را گرفت و خواست که تظاهرات کنندگان متفرق شوند که ناگهان انفجاری صورت گرفت و یک مأمور پلیس کشته شد و چند کارگر و پلیس دیگر نیز زخمی شدند. این حادثه سبب شد که پلیس دست به تیراندازی به سوی جمعیت بزند و کشتار صورت گیرد.

در این حادثه تنف نفر به عنوان مسبب دستگیر شدند که پنج نفر از آنان کارگر مهاجر آلمانی و یکی هم آلمانی تبعه آمریکا بود. دادگاه یکی از دستگیرشدگان را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد و بقیه محکوم به اعدام شدند

که کارمندان ایالت مجازات دو نفر از آنان را به حبس ابد تخفیف داد. یکی از محکومان به اتهام پیش از اجرای حکم خودکشی کرد و چهار نفر دیگر به‌دار آویخته شدند. سه سال پس از این واقعه در سال ۱۸۸۹ م، در هنگام برگزاری کنگره بین‌المللی کارگران در پاریس به پیشنهاد نماینده کارگران آمریکا روز اول ماه می هر سال به عنوان روز جهانی کارگر برگزیده شد تا یاد و خاطره کارگران به خاک و خون غلیبتان را زنده نگه دارند.

ادمه در صفحه ۱۲